



شرح قصیدہ بانہ ذوالرمتہ

موسس و مدیر
مکتبہ اسلامیہ

مکتبہ جامعہ

دکتر علی باقر فاضل
مکتبہ اسلامیہ



سرشناسه	امامی هروی، محمد بن ابی بکر، - ۸۶ق.
عنوان قراردادی	قصیده بایه. شرح
عنوان و نام پدیدآور	شرح قصیده بایه ذوالرمه / تألیف محمد بن ابی بکر امامی هروی؛ تصحیح و تحقیق علی باقر طاهری نیا، علی مصطفی نژاد
مشخصات نشر	تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۵۳ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۲۰-۲۷۸-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتاب حاضر شرحی بر «قصیده بایه» اثر غیلان بن عقبه ذوالرمه است.
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	ذوالرمه، غیلان بن عقبه، ۷۷-۱۱۷ق — نقد و تفسیر.
موضوع	شعر عربی — قرن ۲ق. — تاریخ و نقد
موضوع	Arabic poetry--8th century--History and criticism
موضوع	شاعران عرب — قرن ۲ق. — سرگذشتنامه
موضوع	Poets, Arab--8th century--Biography
شناسه افزوده	طاهری نیا، باقر، ۱۳۴۹-، مصحح
شناسه افزوده	مصطفی نژاد، علی، ۱۳۵۸-، مصحح
شناسه افزوده	ذوالرمه، غیلان بن عقبه، ۷۷-۱۱۷ق. قصیده بایه. شرح
شناسه افزوده	ایران. مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
رده بندی کنگره	۱۳۹۶ الف ۸۰۶ق / PJA۳۲۰۷
رده بندی دیویی	۸۹۲/۷۱۳۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۹۸۹۴۹۴

شرح قصیده بائیة ذوالرُمه

تألیف

محمد بن ابی بکر امامی هروی
(در گذشته ۸۶۶ ق.)

تصحیح و تحقیق

دکتر علی باقر طاهری نیا - علی مصطفی نژاد

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۶



شرح قصیده بانئیه ذوالرئمه

تألیف: محمد بن ابی بکر امامی هروی

(درگذشته ۶۸۶ ق.)

تصحیح و تحقیق: دکتر علی باقر طاهری نیا- علی مصطفی نژاد

نظارت و تولید: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس

صفحه آرایی: زینب جویباری

شماره انتشار: ۴۴۵

ناظر چاپ: نیکی ایوبی زاده

چاپ اول: ۱۳۹۶

بهاء: ۲۵۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۰-۲۷۸-۹

انتشارات و توزیع:

میدان بهارستان، خیابان مجاهدین اسلام، نبش کوچه آجانلو،

ساختمان پلیس + ۱۰، طبقه سوم؛ تلفن: ۳۳۵۴۸۱۴۷-۸

نشانی سایت اینترنتی: www.Ical.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@gmail.com

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار
کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

به نام صورت آرای معانی

تاریخ علوم اسلامی، به هر انگشتی که ورق خورد، نقش دانشمندان ایرانی در شکل‌گیری، تعالی و تکامل آن بسیار برجسته و چشمگیر است. در سطر به سطر منابع رجالی، تاریخی و... نام بسیاری از عالمان ایرانی ثبت شده که شماری از آنان در روزگار خود، از ائمه معارف و علوم اسامی به شمار می‌رفتند و آثار گرانمایه‌ای را رقم زده‌اند که اکنون، برخی از آنها، مثل الأغانی ابوالفرج اصفهانی، تاج‌المآثر فرهنگ اسلامی محسوب می‌شود.

امامی هروی، سراینده پارس‌گویی سده ۷ ق. نیز در شمار دانشورانی است که بر ادبیات عربی مسلط بوده و شرح او بر قصیده بایئه ذوالرّمه، شاعر مشهور عرب (۷۷-۱۱۷ ق) نشانه تسلط او بر فرهنگ و ادبیات تازی است. از لابلای این شرح، اطلاعات مفید ادبی و فرهنگی در زمینه ادبیات عربی به دست می‌آید.

از مصححان این متن ارزشمند، برای عرضه این اثر قابل توجه، بسیار سپاسگزاریم و از خداوند متعال، توفیقات آنان را مسئلت داریم.

سیدعلی عماد

رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی

❖ فهرست مطالب ❖

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۱
شرح حال امامی هروی.....	۱۱
مذهب امامی.....	۱۳
جایگاه علمی، ادبی.....	۱۴
امامی هروی و امامی کرمانی.....	۱۷
امامی و سعدی.....	۱۷
امام رضا (ع) در شعر امامی.....	۲۰
آثار.....	۲۱
شرح حال ذوالرّمه.....	۲۱
مذهب ذوالرّمه.....	۲۳
ذوالرّمه و کتابت.....	۲۴
جایگاه ادبی.....	۲۴
قصیده بائیّه ذوالرّمه.....	۲۹
معرفی نسخه‌ها و توضیحات دیگر.....	۳۹
شیوه تحقیق و تصحیح.....	۴۰
شرح قصیده بائیّه ذوالرّمه.....	۴۱
تصویر نسخه‌های خطی.....	۱۳۵

- نمایه ها. ۱۴۱
- آیات. ۱۴۳
- ابیات. ۱۴۵
- کتابنامه. ۱۴۷

پیشگفتار

نسخه‌های خطی، که بخشی از میراث مکتوب به شمار می‌روند، نمودها و نمادهای درخشان و روشن فرهنگ، تمدن و فرهیختگی جوامع و ملت‌هاست که حفظ، صیانت و احیای آنها، یکی از مهمترین وظایف نسل حاضر است. این دوستان خاموش و پنددار و این یاران دانا و بی‌زبان، هریک گنجینه‌ای از علوم و ادب و فلسفه و ... را در لابه‌لای برگ‌های خود نگاهداری کرده‌اند، تا به مقتضای زمان و مکان، راز دل خویش بر اهل آن بازگویند.

بدیهی است، پیشرفت‌های انسانی در حیطه‌های مختلف علمی، نتیجه انتقال دانش‌ها و اندیشه‌های بشری در طول تاریخ است، که این انتقال جز به کتابت و نوشتار میسر نبوده است. مسلم است که پیشرفت و تعالی یک جامعه، زمانی محقق می‌گردد، که از پیشینه و تاریخ تمدنش آگاه باشد و آنچه را که از پیشینیان بر جای مانده، با بینش علمی و انتقادی و به دور از هرگونه تعصب در اختیار بگیرد و نقاط ضعف و قوت آن را بشناسد.

از این رو، باید با ستردن گرد و غبار غربت و فراموشی از گنجینه‌های خطی، راه را برای رسیدن به چنین هدف مهمی هموار ساخت و به تصحیح، تحقیق و احیای این موارث همت گمارد، چرا که این کار خطیر به منزله نشان دادن اندیشه‌های مدوّن تاریخ تمدن بزرگ ایران اسلامی است. احیای موارث فرهنگی واپس‌نگری یا توقف در گذشته نیست، بلکه مطالعه گذشته، برای بهره‌گیری از تجارب اصیل پیشینیان و ترسیم مسیر درست و صحیح، برای ایجاد آینده تابناک است.

شرح قصیده بانیّه ذوالرمه، اثر شاعر برجسته دوره ایلخانی، امامی هروی، یکی از هزاران میراث مکتوب ماست، که به شرح قصیده یکی از شعرای مشهور عرب دوره اموی پرداخته است. مصححان با توجه به علاقه شخصی و راهنمایی و پیشنهاد زنده‌یاد، استاد عبدالحسین حائری، و نظر به اهمیت این قصیده و ارزش این شرح جامع و کامل، در صدد تصحیح و تحقیق آن برآمدند، تا

نمونه‌ای دیگر از تأثیر ایرانیان بر زبان و ادبیات عربی و ثمره‌ای دیگر از بوستان پربار ایران اسلامی را به دوستداران و اهالی ادبیات تقدیم نمایند.

مصححان در این رساله، پس از تصحیح و اعراب‌گذاری اشعار و بررسی شروح دیگر قصیده، کوشیدند با مطابقت دو نسخه موجود، یک متن صحیح و منقح و دقیق ارائه نمایند. این رساله در سه بخش تدوین شده، که در فصل اول و دوم به بررسی آثار و احوال شارح و شاعر پرداخته شده در فصل سوم نیز این شرح، با مقایسه سایر شرح‌های موجود، مورد تصحیح قرار گرفته است.

مقدمه

شرح حال امامی هروی

رضی‌الدین عبدالله، محمد بن ابی بکر بن عثمان امامی هروی، از شاعران و دانشمندان سده هفتم هجری^۱ و از شاعران معروف عهد ایلخانی^۲ و معاصر شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی^۳ و خواجه مجدالدین همگر فارسی است^۴. در کرمان نشو و نما یافته و در علوم عربیه و روش سخن، کمال مهارت داشته و صاحب دیوان است^۵. سال ولادتش معلوم نیست. در نام و تاریخ درگذشت وی، تذکره‌نویسان و ارباب تاریخ و سیر اختلاف کرده‌اند^۶ و به نظر می‌رسد بیشتر مطالب درباره او، از تذکره‌الشعراء دولت‌شاه اخذ شده باشد.

نام و نسب او مجموعاً در مآخذ مختلفی که از او سخن گفته‌اند، به نحوی است که گفته شد. مثلاً در تاریخ‌گزیده و حبیب‌السير، ابو عبدالله محمد بن ابی بکر عثمان است و محمد بن بدر جاجرمی ضمن نقل شعری از فخری اصفهانی، که درباره تاریخ وفات امامی سروده، او را ملک الشعراء رضی‌الدین امامی هروی خوانده است^۷. همچنین، نام وی در هر دو نسخه شرح قصیده بائیه، عبدالله بن محمد بن علی امامی هروی آمده است.

او خود در اشعار خویش همه جا تخلص خود را امامی می‌آورد، مانند:

۱. دولت‌شاه، ۱۳۲۸، ص ۱۶۶ و صفی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۸. ۲. صفا، ۱۳۲۸، ص ۵۴۶.

۳. آذریبگدلی، ۱۳۷۸، ص ۷۵۲. ۴. دولت‌شاه، ۱۳۲۸، ص ۱۶۶.

۵. داغستانی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱. ۶. آذریبگدلی، ۱۳۷۸، ص ۷۵۲.

۷. صفا، ۱۳۸۲، ص ۵۴۶.

- خسروا شاهامامی آنکه کرد فخر ز آب شعر او خاک هرات
- ای امامی مدح آل مصطفی گو، تا تو را دین و دنیا روز و شب، هم یار باشد هم ندیم^۱
امامی چون از علمای خجسته صفات هرات و مدّاح اتابکان فارس بوده است^۲، از زادگان خود
در شهر هرات، پادشاهان آل کرت را مدح می گفت. سپس به کرمان رفت و مدّتی پادشاهان و
امیران آن دیار را مدح گفت^۳. چندی هم در یزد، مصاحب شمس الدین محمد تازیگوی، کارگزار
شمس الدین محمد صاحب دیوان بوده است^۴. بعد به اصفهان رفت و بازمانده عمر خود را در آنجا
گذراند. چون در زبان و ادبیات عربی مهارت بسیار داشت، در زمان خویش بسیار معروف شد و
حتّی بعضی از معاصران، وی را بر سعدی ترجیح داده اند^۵.

مجموع اطلاعاتی که از احوال او به دست می آید، محدود و منحصر به مسائل درجه دوم است،
ولی از فحوای آنها به صراحت دریافته می شود که این شاعر به سبب فضل و دانش وافر و تسلّط بر
زبان و ادب عربی و فارسی و به علّت اطلاع از علوم مختلف معقول و منقول، صاحب شهرتی بسیار
بوده است^۶.

در تاریخ درگذشت وی، تذکره نویسان و ارباب تاریخ و سیر اختلاف کرده اند. به روایت هدایت
در مجمع الفصحاء، امامی در ۶۷۶ق. در اصفهان وفات یافته است^۷ و عبّاس اقبال آشتیانی
می نویسد: «و این غلط است، چه علاوه بر آنکه تقی الدین کاشانی به وقوع وفات امامی در سال
۶۸۶ه. تصریح نموده، دو قطعه شعر ذیل از معاصرین امامی، تاریخ وفات و محل فوت او را به دست
می دهد»^۸. قطعه اوّل این است:

افسوس که در هفدهم ماه محرم	در ششصد و هشتاد و شش آن ذات مکرم
قانون هنر، زبده ارباب حقائق	بگزیده امامی به سخن کامل و عالم
در شهر النجان ز جهان رفت و بپوشید	از رفتن او شخص هنر، جامه ماتم
با تربت او باد قرین رحمت ایزد	وز روح پیمبر مددش باد دمام

۱. صفا، ۱۳۸۲، ص ۵۴۷. ۲. لکهنوی، ۱۳۵۳، ص ۷۱. هدایت، ۱۳۸۲، ص ۳۵۹.

۳. صفا، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲. دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۳۳۱۷. ۴. همان، ص ۵۴۷.

۵. دولتشاه، ۱۳۲۸، ص ۱۶۶. ۶. همان، ص ۵۴۷.

۷. هدایت، ۱۳۲۸، ص ۳۵۹. ۸. اقبال آشتیانی، ۱۳۱۲، ص ۳۱۳.

فخرالدین فخری اصفهانی پدر شمس فخری می‌گوید:

شیخ اصحاب امامی هروی	مجد همگر که بود صدر کفات
بدر جاجرمی آن نکوسیرت	در سپاهان چو در رسید ممات
در ثنائین و ستّ و ستمنه	به دو مه یافتند هر سه وفات

و این دو قطعه را محمد بن بدر جاجرمی در مجموعه نفیس مونس‌الاحرار که در سال ۷۴۱ تألیف شده، آورده است.^۱

تاریخ وفاتش را براون ۶۶۸ ق. نوشته، که البته خطاست و تاریخ صحیح، همان است که محمد بن بدر جاجرمی در مونس‌الاحرار از فخری اصفهانی آورده است.^۲

مذهب امامی

سرودن شعرهای دینی در سده‌های هفتم و هشتم ق. هم میان شاعران مسلمان و غیرمسلمان، هر دو متداول بود. در این دو قرن احترام نسبت به ۱۲ امام شیعه (ع)، در میان دانشمندان و نویسندگان و شاعران سنی مذهب به نحوی بی سابقه معمول شد.^۳ در این دوره، شاعران دیگری نیز در ذکر مناقب پیامبر و خاندان او یا در رثای آنان، اشعاری سروده‌اند مانند: امامی هروی، فخرالدین عراقی، سیف‌الدین فرغانی، سلمان ساوجی، خواجوی کرمانی، سعید هروی، ابن نضوح، حسن متکلم، حسن کاشی، معین جوینی، و عده زیاد دیگری که در ضمن آثار آنان: قصایدی در ذکر مناقب یا مرثی اهل بیت (ع) دیده می‌شود.^۴ از اشعار امامی بر می‌آید که او ارادت خاصی به ائمه اطهار (ع) داشته است:

ای امامی مدح آل مصطفی گو تا تو را دین و دنیا روز و شب هم یار باشد هم ندیم^۵
و این نکته، در احادیثی که در شرح قصیده ذوالرّمه به عنوان شاهد آورده شده، قابل مشاهده است.

۱. جاجرمی، ج ۲، صص ۸۳۶-۸۳۷.

۲. هدایت، ج ۱ ص ۹۸، براون، ج ۳ ص ۱۳۷، مستوفی، ص ۸۱۴.

۳. صفا، ۱۳۸۰، ص ۲۸۷. ۴. برزآبادی، ۱۳۸۵، ص ۸.

۵. صفا، ۱۳۲۸، ص ۵۴۶.

به اعتقاد استاد همایون شهیدی، او تخلّص خود را به واسطه اعتقاد به مذهب شیعه و علاقه به مدح خاندان رسالت، برگزیده است.^۱ گفته می‌شود که حتّی پس از سعدی، امامی هروی (م: ۶۸۶ق) و فخرالدین عراقی (م: ۶۸۸ق) نیز اشعاری در سوگ امام حسین (ع) سروده‌اند.^۲ این نکته را باید بدانیم که در سده‌های هفتم و هشتم ق. احترام وافی نسبت به همه ائمّه اثنی عشر (ع) در میان علما و نویسندگان و شاعران سنی مذهب، خیلی بیشتر از دوره‌های پیشین و حتّی در بعضی موارد به وضع بی‌سابقه‌ای معمول شد و این خود یکی از نتایج انقراض خلافت عباسی و ضعف شدید مسلمین، علی‌الخصوص اهل سنّت و پیشرفت‌های سیاسی و اجتماعی شیعه است، که در این گیر و دار، از زمان پادشاهی هلاکو برای خود در تکاپوی قدرت و سیادت بودند.

جایگاه علمی، ادبی

امامی از جمله شاعران بزرگی است که در سده هفتم ق، شیوه شاعران مشرق و حتّی زبان و غالب ترکیبات و مضامین شعری آنان را در نظم قصاید خود حفظ کرد و مانند غالب آنان مدّاح زبردست و غزلسرای خوش‌سخنی است و در عین حال بنا بر ذوق اهل زمان، گاه به بیان خود، چاشنی عرفان می‌دهد. زیرا خود در مراحل سلوک سیر می‌کرد. از دیوان وی، که شامل مدائح سلاطین و امراء و وزراء عهد در هرات و کرمان و اصفهان است، نسخه‌هایی در دست است و تا حدود ۲۴۰۰ بیت یا اندکی بیشتر، از قصیده و غزل و رباعی و ترجیع و ترکیب‌بند دارد.^۳ با آنکه شاید دیگر فضائل وی افزون بر مرتبه شاعری او بود، در خدمت قراختانیان کرمان سمت ملک‌الشعرائی یافت.^۴

«او امام تمام همام، مفتی فتاوی کامل، عارف معارف حال، جامع مجامع صوری و معنوی بود. گویند که از علماء و فضلاء کامکار خراسان است و در کرمان نشو و نما یافته و بعضی، امامی کرمانی را سوای او دانند و کرمانی را صاحب علوم و کیمیا و سیمیا خوانند. علی‌آئی حال مستجمع و مستحضر جمیع کمالات و مستودع و مستولی همه حالات بوده است. عقده رموز دقایق به سر انگشت بیان گشودی و کلید کنوز حقایق از تحت عرش لسان نمودی، از جمله در صنعت اکسیر ید

۱. شهیدی، ۱۳۴۵، صص ۵۴-۵۵. ۲. جلالی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۷.

۳. دیوان وی توسط عصمت خوئینی به سال ۱۳۹۴ در نشر میراث مکتوب به چاپ رسیده است.

۴. آذریبگدلی، ۱۳۷۸، ص ۷۵۲.

بیضای موسی نموده و در سلوک تجرّد، در حیرت در سکوت بر رخ عیسی گشاده»^۱.
در علم فصاحت و بلاغت از بی نظیران زمان خود بوده، بزرگواری او به مرتبه‌ای است که او را در برابر شیخ سعدی در آورده، بلکه ترجیح نموده‌اند^۲ و وقتی که از مجد همگر در باب امامی و سعدی محاکمه خواسته‌اند، امامی را بر سعدی ترجیح داده است. چنان که اشعار او می‌رساند^۳.
مدایح امامی کلیه راجع است به وزرای کرمان؛ چند قصیده هم در مدح اتابکان یزد از آن جمله، یکی از آنها در مدح علاءالدوله ابوالفتح رکن الدین است که اسم او قتلغ شاه بود و دیگری راجع است به مدح پسر او قطب الدین یوسف شاه که سلطنت او تا زمان ارغون خان (۶۹۰-۶۸۳) اقتدار داشته است^۴.

امامی، گذشته از شعر و شاعری، مقام علمی مهمّی را دارا بود و گویا منصب قضا را هم بدو تفویض کرده‌اند. از این جهت در اشعار معاصرین به نام خدایگان شریعت یاد شده است^۵؛
سر افاضل دوران، امام ملت و دین خدایگان شریعت در این چه فرماید^۶
«او از صنایع علمای هرات است؛ اما در کرمان و اصفهان در بعضی اوقات مسکن می‌داشت. و قضات هرات، از نژاد امامی‌اند و خواجه فخرالملک که از بقیّه وزراء و صدور خراسان است، مرثی امامی بوده است»^۷.

معلومات امامی که ظاهراً قسمت فلسفی آن غلبه داشته، در اشعار او تأثیر عمیق کرده و چون امامی اساساً مقلّد سنائی و انوری است، از این روی به ذکر مسائل و قوانین علمی در شعر و نزدیک کردن اصول شعری به اسلوب علمی پرداخته و ناچار بوده است که تا می‌تواند این رویّه را از دست ندهد. چنان که از اشعار خود او قرائنی به دست می‌آید، امامی عارف مسلک و صوفی، سیر و سلوک خود را به طریق سنائی در اشعار آورده ولی ظاهراً جنبه فلسفی او غلبه داشته است^۸.

فخرالدین علی صفی، راست گفته است که امامی هروی مردی عالم بوده است به علوم عقلی و نقلی و از اقران شیخ مصلح الدین سعدی است^۹ روی هم رفته، می‌توان گفت که روش امامی (امامی

۲. خواندمیر، ۱۳۸۰، ص ۳۸۷.

۴. همو، ۱۳۸۳، ص ۳۹۹.

۶. امامی هروی، ۱۳۹۴، ص پانزده.

۸. صفا، ۱۳۸۲، ص ۵۴۶.

۱. آذر بیگدلی، ۱۳۷۸، ص ۷۵۳.

۳. فروزانفر، ۱۳۸۳، ص ۳۹۵.

۵. همو، ۱۳۸۳، ص ۴۰۰.

۷. دولتشاه، ۱۳۲۸، ص ۱۶۷.

۹. صفی، ۱۳۷۸، صص ۲۶۸-۲۶۹.

اساساً به اعمال صنایع و تقسیم و جمع و سایر صنایع بدیعی اهمّیت می‌دهد و زمینه سبک او آوردن افکار فلسفه و اعمال صنایع بدیعی است) از طریقه انوری و عبدالواسع جبلی گرفته شده، تقریباً زبان شعری او صورت محاوره دارد و این، از انوری مأخوذ است. در ترکیب الفاظ اگرچه به واسطه نزدیک شدن لسان شعر به محاوره، آثار طریقه انوری محسوس است ولیکن از جهت انتخاب مفردات، پیرو طریقه عبدالواسع جبلی است. در انتظام ابیات، به واسطه الزام لفّ و نشر یا جمع و تفریق و تقسیم هم، آثاری از رویه عبدالواسع جبلی دیده می‌شود.^۱

او در عهد خود مورد احترام شاعران و استادان بود. سخن او بیشتر به شیوه شاعران سده ششم ق. است، مانند غالب آنان، هم مدّاح زیر دست است و هم غزلسرای خوش سخن و چاشنی عرفان، سخن او را گاه جلای خاص می‌بخشد.^۲ غزلیات امامی، با اینکه معاصر سعدی بوده و طریقه سعدی در آن شهرت داشته، باز به همان روش جمال‌الدین و سایر شاعران عراق سروده شده و می‌توان، او را بدین جهت شاعری قصیده‌سرا گفت؛ چون امامی به قصیده‌سرایی در عصر خود معروف بود و قصاید او را اکثر مردم آن عصر شنیده، یا از بر داشته‌اند.^۳

بدیع‌الزمان فروزانفر، معتقد است: اشعار حافظ به واسطه دقت بدیعی، به اشعار امامی هروی و عبدالواسع جبلی بسیار می‌ماند، منتها با این فرق که در اشعار این دو؛ امامی و عبدالواسع، معنی نافع و عمیق نیست و هم اثر تکلف ظاهر است.^۴

به اعتقاد ملک الشعرای بهار نیز، هاتف اصفهانی در قصیده‌پردازی، از امامی هروی و گاه از سبک خاقانی پیروی می‌کرد و این قطعه که یکی از وزیران فارس بدو فرستاده، نشان از علوّ مقامش در دانش و ادب می‌دهد.^۵

ای غایت اندیشه دانش سخت را	می‌بوسم و می‌دارم چون جانِ گرامی
زبید که ببندد کمر از لطف سخنها	آب سخن و جانِ سخنگو به غلامی
تو خضری و لطف سخت آب حیات است	معلوم شد این حرف دلم را به تمامی
ختم است سخن بر تو و یارای سخن نیست	در دور تو کس را که تو سلطان کلامی

۱. فروزانفر، ۱۳۸۳، ص ۴۰۱.

۲. صفا، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲.

۳. فروزانفر، ۱۳۸۳، ص ۴۰۱.

۴. همو، ۱۳۸۳، ص ۴۹۶.

۵. جاجرمی، ج ۲، ص ۸۸۰.

نام تو امامی است، بلی زبیدت این نام بر لفظ و معانی چو امیری و امامی در تاریخ گزیده، معنای از امامی در ذکر تخلصِ شعریش آمده و حل آن معنای با توضیح بسیار صورت گرفته است:

ثلث و خمس و زوج فردی را که خمس و سدس او بی شک از حد عدد بیرون بود تنصیف کن
بر قرار خویش باری دیگرش در بیت مال ضرب کن چون ضرب کردی آنکهی تضعیف کن
سدس عشر ثلث او را باز با این هر دو قسم جمع کن فی فی که نصف ثلث از او تحذیف کن
کعب عین و جذر طار اگر بیرون آری به فکر اندرو پیوند و چار و پنج را تألیف کن
با محاسب گفتم اندر علم او اسمی به رمز گو امامی را به علم خویشتن تعریف کن^۱

امامی هروی و امامی کرمانی

امامی به این دلیل که در کرمان توطن نموده، بعضی او را کرمانی خوانده‌اند و برخی نیز به دو امامی: یکی کرمانی و دیگری، هروی قائل شده‌اند، اما هر دو یکی هستند^۲ و این به سبب اختلاف اصل ولادت و نشو و نما و وی در این دو شهر مذکور است^۳.

فروزانفر معتقد است: «چون مدّتی در کرمان اقامت گزیده، به همین جهت برای صاحب حبیب‌السیر اشتباهی دست داده و یک مرتبه، او را در ضمن شاعران اباقاخان و بار دیگر، در ضمن شاعران آل کرت نوشته است^۴. ظاهراً یکی از این دو تحریف دیگری است. امامی اصلاً از مردم هرات بود»^۵، چنان که خود او می‌گوید:

«گو خداوند! امامی آن که کرد
فخر ز آب شعر او خاک هراه
من که دون پایه من باشد ار فخر آورد
بر جهان از رونق الفاظ من خاک هراه»^۶

امامی و سعدی

«امامی را به سبب فضل و دانش وافر و تسلط بر زبان و ادب عربی و فارسی و به علت اطلاع از

۲. هدایت، ۱۳۸۲، ص ۳۵۹.

۱. مستوفی، ۱۳۶۲، ص ۷۵۴.

۴. فروزانفر، ۱۳۸۳، ص ۳۹۵.

۳. آذریگدلی، ۱۳۷۸، ص ۷۵۳.

۶. امامی هروی، صص ۱۲۲، ۱۲۴.

۵. همان، ص ۳۹۶.

علوم مختلف معقول و منقول شهرتی بسیار بوده است. چنانکه حتّی در مقام مقایسه او با سعدی بر می آمده و او را بر بسیاری از شاعران ترجیح می نهاده اند^۱. امامی چون در زبان و ادبیات عرب مهارت بسیار داشت، در زمان خویش بسیار معروف شد و حتّی بعضی از معاصران، وی را بر سعدی ترجیح داده اند.

روزی خواجه شمس الدین محمد صاحب دیوان و ملک معین الدین پروانه، که در عهد اباقاخان حاکم ممالک روم بود و مولانا نورالدین رصدی و ملک افتخارالدین کرمانی که از نژاد ملک زوزن است، هر چهار فاضل به اتفاق، قطعه ای به حضور خواجه مجدالدین همگر فارسی فرستادند و از او استفسار کردند. پروانه گفت:

ز شمع فارس، مجدّ ملت و دین سؤالی می کند پروانه روم
مولانا نورالدین رصدی:

ز شاگردان تو هستند حاضر رهی و افتخار و صاحب روم
صاحب دیوان:

چو دولت حضرتت را هست لازم دعاگو صاحب دیوان مظلوم
ملک افتخار:

ز اشعار تو و سعدی، امامی کدامین را پسندند اندرین بوم
تو کن تعیین این، چون ملک انصاف بود در دست تو چون مهره در موم
خواجه مجدالدین در جواب این رباعی فرستاد:

ما گر چه به نطق، طوطی خوش نفسیم بر شگر گفته های سعدی مگسیم
در شیوه شاعری به اجماع امم هرگز من و سعدی به امامی نرسیم^۲
این رباعی، بهترین تمجیدی است که از وی شده است. امامی به رباعی زیر جواب گفته و او را ستوده است:

در صدر بلاغت، ار چه با دسترم در عالم نظم ار چه مسیحا نفسم
دائم که به خاک در دستور جهان سبحان زمانه مجد همگر نرسم

لکن سعدی رنجش خود را از این مقال در این رباعی اظهار کرده است:

هر کس که به پایگاه سامی نرسد از بخت بد و سیاهکامی نرسد
همگر که به عمر خود نکرده است نماز پیداست که هرگز به امامی نرسد^۱
حمدالله مستوفی هم می‌گوید: «از سعدی شیرازی - علیه الرحمة - پرسیدند که: شعر امامی بهتر
است یا مجد همگر؟ در جواب فرمود:

همگر که به عمر خود نکرده است نماز شک نیست که هرگز به امامی نرسد^۲
«چون امامی به قصیده‌سرایی در عصر خود معروف بود و قصاید او را اکثر مردم آن عصر
شنیده یا از بر داشته‌اند، بدین جهت عده‌ای او را هم ترازوی سعدی گرفته و در باب این دو از مجد
همگر محاکمه خواسته‌اند.»^۳ «و چون مجد همگر بیشتر بر قصیده‌سرایی توجه داشته، وقتی که از او
در باب امامی و سعدی محاکمه خواسته‌اند، امامی را بر سعدی ترجیح داده است. چنان که اشعار او
می‌رساند.»^۴

داوری مجد همگر و ترجیح دادن امامی بر سعدی، همچنان که قدما نیز متذکر شده‌اند، شاید از
آن جهت بود که امامی بیشتر در سخنوری به روش قدمای خراسان توجه داشت و مجد همگر، که
خود از پیروان مکتب شاعران آن سامان است، طبعاً سخن امامی را به مذاق خود خوشتر می‌یافت
و گرنه ذوق سلیم نمی‌تواند منکر ترجیح گفتار شیخ شیراز بر معاصران او باشد.^۵ دولت‌شاه می‌گوید:
«این فضل که در حق امامی گفته‌اند، در شیوه صنایع بدایع شعری بوده باشد و الا سخن شیخ سعدی
را مرتبه‌عالی و مشرب او را درجه‌وافی است، از حقیقت و طریقت سخن او نشان می‌دهد و از
نکدان لطافت آنی دارد.»^۶ صاحب‌آتشکده‌آذر می‌نویسد:

«اگرچه در فن شاعری استاد است، اما آنچه مجد همگر در خصوص او و شیخ سعدی اعتقاد
داشته، به اعتقاد فقیر از برای او بسیار زیاد است.»

«غرض که رتبه حالات امامی از آن بیشتر است که در معرض بیان کماهی درآید، هرچند که در
مزه حلاوت و نمک سخن، چه تغزل و مغزلت و چه نصایح و مواعظ، هیچ کس به سعدی نمی‌رسد،

۲. مستوفی، ص ۷۵۲.

۱. براون، ۱۳۳۳، صص ۱۳۷-۱۳۸.

۴. همو، ص ۳۹۵.

۳. فروزانفر، ۱۳۸۳، ص ۴۰۱.

۶. دولت‌شاه، ۱۳۸۲، ص ۱۶۶.

۵. صفا، ۱۳۸۲، صص ۵۴۹-۵۵۰.

لیکن امامی را ورای مرتبه ظاهری، حالات و کمالات دیگر بوده که به آنها مستثنی شده است.^۱

امام رضا (ع) در شعر امامی

امامی، این شاعر شیفته و این شیعه امام علی (ع) و این مدّاح خاندان رسالت (ع)، ترکیب بندی زیبا هم در ستایش حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا (ع) سروده که خاص مدح این امام همام است^۲ که در ذیل چند بیت آن می آید:

ای سپهر از رفعت قدر تو در صف النعال	کعبه دنیا و دینی، قبله جاه و جلال
طور موسای دلی، معراج عیسای روان	روضه رضوان عقلی، نقطه خط کمال
گر نه روحی، پس چرا هرگز نیندیشی ز مرگ	ور نه عقلی، پس چرا با روح داری اتصال؟
عقل محضی، گر نگیرد حرص و خشم او را زبون	روح پاکی، گر نگردد نفس و طبع این را وبال
آسمانی گاه رفعت، آفتابی گاه نور	آسمانی بی حواث، آفتابی بی زوال
نور یابد هردم از خاک درت، مهر سپهر	همچنان کز پرتو آن، نور می یابد هلال
تا تو گشتی طلعت خورشید و ایمان را سپهر	آفتاب و آسمانت هست در صف النعال

گو بیا بنگر که راه کعبه جان روشن است

هر که را چشم دل از خورشید ایمان روشن است

گلین بستان عصمت، روح روح انبیا	گوهر کان نبوت، دُر دریای صفا
مقتدای اهل ایمان، حجت دین خدا	حیدر ثانی، رضای حق، علی موسی رضا
حاکم حکم امامت، خسرو اقلیم فضل	حافظ ملک رسالت، ناصر دین خدا
عنصر ترکیب عالم، مایه مقصود حق	سرور اولاد آدم، مـففخر آل عبا
قبله اسلام اگر کعبه است، باری کعبه را	قبله، محراب جناب اوست، هنگام دعا
عرض عالم را عرض جز عرض پاک او نبود	ور نه جوهر با عرض هرگز نگشتی آشنا
ذات پاک اوست آری آفرینش را سبب	کین و مهر اوست آری، علّت خوف و رجا

زبده اسرار «کن»، دین پرور عادل لقب

مقصد جان و خرد، فخر عجم، تاج عرب

آثار

۱. دیوان

هدایت می‌گوید: دیوانش از ۲۰۰۰ بیت متجاوز است^۱ ذبیح الله صفا هم آورده است: دیوانی تا حدود ۲۰۰۰ بیت یا اندکی بیشتر، از قصیده و غزل و رباعی و ترجیع و ترکیب‌بند دارد^۲. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، در نسخه‌ای از دیوان وی به شماره‌های ۹۴۸ و ۹۴۹ محفوظ مانده، که نخستین به خط مرحوم عبرت نائینی است و به ۲۰۰۰ بیت برمی‌آید و آن دیگر در حدود ۲۲۰۰ بیت می‌باشد. و مجموعه‌ای به شماره ۱۱۸۳ این کتابخانه در حدود ۲۲۵۰ بیت از اشعار او را در بر دارد. امامی در قصیده و غزل و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند و قطعه و رباعی طبع آزمائی کرده است. دیوان امامی هروی، نخست به اهتمام همایون شهیدی (تهران، ۱۳۴۳)، سپس به تصحیح منتقح عصمت خوئیینی به چاپ رسیده است (تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۴).

۲. شرح قصیده ذوالرّمّه

رساله‌ای است کوچک در شرح قصیده بائیه به مطلع:

ما بال عینک منها الماء ینسکب کأنّه من کُلّی مفریّة سَرِبْ

از شاعر نامبردار عرب ابوالحارث غیلان (یا عبدالله) بن عقبه بن نهیس، مشهور و ملقب به ذوالرّمّه، متوفی به سال ۱۱۷ ق. این قصیده شامل ۱۳۱ بیت است و امامی به خواهش بعضی از دوستان که در مذاکره و مباحثه با او شریک بوده‌اند، پس از مقدمه‌ای، جمله ابیات آن را از لحاظ نحوی و ادبی، به عربی شرح کرده است.

شرح حال ذوالرّمّه

ذوالرّمّه شاعری است که اشعار و آثار وی در بسیاری از کتاب‌های ادبی دیده می‌شود. او از شاعران قرن نخست ق. و دوره اموی است که با دوره جاهلی ارتباط دارد و بالطبع متأثر از این دوره بوده است. ولی در صفحات تاریخ نام او کمتر آشناست و کمتر کسی درباره او مطلبی می‌داند. سلسله نسب او به این صورت است: